



فصلنامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
سال بیست و هفتم | شماره ۱۰۳ | بهار ۱۴۰۰

نویافته‌هایی از شاگردان ملاهادی سبزواری

امیرالله شجاعی^۱

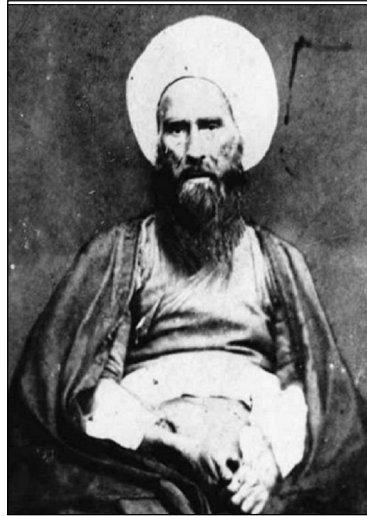
چکیده

نگارنده پس از اشاره به چند فهرست از شاگردان ملاهادی سبزواری بیست و دو تن از شاگردان او را بر می‌شمرد که تاکنون در آن فهراس یاد نشده‌اند یا آگاهی‌های تازه‌ای در باره آنها یافته است. آنگاه در مورد دو تن از آنان با تفصیل بیشتر سخن می‌گوید: محمد حسن بن زین‌العابدین سبزواری و میرزا محمود تونی.

کلیدواژه‌ها

سبزواری، هادی؛ فلاسفه شیعه قرن سیزدهم؛ سبزواری، محمد حسن؛ تونی، محمود.

۱. پژوهشگر حوزوی در عرصه کتابشناسی و شرح حال نگاری.



قرن سیزدهم هجری را می‌توان خاستگاه مکتب فلسفی نوپیدای سبزوار، به رهبری حکیم والا مقام اسلام، حکیم ملا هادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲) دانست. بی‌تردید وی یکی از پیروان و بزرگان و مروجان حکمت متأله و مکتب فلسفه صدرائی است که در عصر خود و بعد از آن سهم بسزایی در پیشرفت و پویایی این مکتب داشته است. شخصیت‌های برجسته‌ای برای بهره‌گیری از آن، دوری راه را بر خود هموار کرده و در سبزوار به

خدمت و تلمذ نزد این استاد والا مقام رسیده‌اند. چنانچه استاد مرتضی مدرس گیلانی تعداد این شاگردان را از هزار نفر افزون می‌شمارد.^۱

درباره شاگردان حکیم والا مقام ملا هادی سبزواری چند فهرست موجود است که به دو فهرست مفصل آن اشاره می‌شود:

۱- فهرست محقق گرامی آقای صدرایی خوبی:

این فهرست از دو فهرست استاد سید جلال الدین آشتیانی و در مقدمه کتاب رسائل حکیم سبزواری و فهرست آقای صدوقی سها در تاریخ حکما و عرفای متأخر، فراهم آمده و در آن اسامی ۸۸ نفر از شاگردان حکیم سبزواری ذکر شده است.^۲

۲- فهرست گسترده‌ای که توسط استاد سید حسن امین در مقدمه کلیات دیوان اسرار حکیم سبزواری فراهم آمده و شامل بررسی زندگانی ۹۷ نفر از شاگردان حکیم سبزواری می‌باشد. گذشته از اسامی مشترک با فهرست قبلی، تعداد ۲۸ نفر از شاگردان معرفی شده در

۱. منتخب معجم الحکماء، ص ۸۸، ۱۷۹.

۲. مجله میراث شهاب، شماره ۷۰، ص ۸۷-۹۱ این مقاله در مجموعه مقالات برگزیده کنگره بزرگداشت آیت الله العظمی حاجی کلباسی، ص ۱۹۳-۲۳۱ هم به چاپ رسیده است.

این فهرست، در فهرست قبلی دیده نمی‌شود و بدین ترتیب تعداد شاگردان یافته شده از حکیم سبزواری به ۱۱۶ نفر می‌رسد.^۱

۳- محقق گرامی آقای اشکوری نیز در کتاب نفیس تراجم الرجال ۲ نفر دیگر از شاگردان حکیم سبزواری را یاد می‌کند که در دو فهرست قبلی موجود نمی‌باشد و بدین ترتیب تعداد شاگردان یافته شده از این حکیم والا مقام به ۱۱۸ نفر می‌رسد.^۲

در بررسی‌های تازه‌ای که در زمینه شاگردان حکیم سبزواری انجام گردید، منابع زیادی دیده شد که به شناسایی تعداد دیگری از شاگردان این حکیم فرزانه منجر شد، که در اینجا تقدیم می‌گردد. قابل ذکر است بعضی از این شاگردان، در مقدمه کتاب دیوان اسرار توسط استاد سید حسن امین آمده که متأسفانه منبع آنها ذکر نشده است و با توجه به تسلط ایشان به منابع پژوهشی درباره سبزواری، ما آن را یک منبع قابل اعتماد فرض کرده و البته نظرات و ملاحظات خود را نیز ذکر نموده‌ایم.

در پایان هم به معرفی تفصیلی دو تن از شاگردان وی که در لابلای کتاب‌های تاریخی متروک مانده‌اند، پرداخته‌ایم.

۱. شیخ اعظم مرتضی انصاری (۱۲۸۱-۱۲۱۴ ق)؛ مرجع بزرگ شیعه علامه انصاری، مدت دو سال در بین سالهای ۱۲۴۴ تا ۱۲۴۷ ق در مدرسه حاجی حسن مشهد در نزد حکیم سبزواری، کتاب شوارق و بعضی از مباحث فلسفی را خوانده است. حکیم سبزواری می‌فرمود: من و شیخ مرتضی انصاری هر دو به اسلام خدمت می‌کنیم. و وقتی که سلام شیخ مرتضی انصاری را به او می‌رساندند حکیم بر می‌خواست

۱. مقدمه دیوان اسرار، ص ۱۰۴-۱۲۶ / تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفاء، ص ۱۷۹-۱۹۵

۲. تراجم الرجال، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱، ص ۳۰۷-۳۰۸ و ج ۴، ص ۲۱



و می‌گفت: «منه السلام والیه السلام وعلیه السلام»^۱

مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد ثقفی، صاحب تفسیر روان جاوید و پدر خانم حضرت امام خمینی، در کتابش می‌نویسد: از شیخ انصاری هر وقت مساله عقلی مشکلی سؤال می‌کردند، جواب می‌فرمود: من وزیر داخله اسلامم و حاجی سبزواری وزیر خارجه است. به ایشان مراجعه نمایید.^۲

البته در کتاب شرح حال زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، نامی از حکیم ملا هادی سبزواری در شمار اساتید شیخ اعظم نیامده است و مؤلف آن کتاب، به تعدادی از اساتید شیخ اعظم اشاره کرده است و هرگونه استادی غیر از آنها را صراحتاً رد می‌کند.^۳

۲. میر سید حسین حسینی سبزواری معروف به آقای کابلی برادر کهنتر امین الحکماء معروف به آقای عراقی پسران میر سید جعفر بن میرزا آقا، نوه‌های سید محمد امین حسینی سبزواری.^۴

۳. محوی تبریزی که او نیز از مجذوبان بود و سرانجام خودکشی کرد.^۵

۴. شرف الدین سید علی بن سید نجم الدین مرعشی معروف به سید الحکماء یا سید الاطباء (۱۲۰۲-۱۳۱۶ ق) مدفون در نجف، جد آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی.^۶

۵. ملا ملک سبزواری از منصوبان و شاگردان ممتاز حکیم که حامل کتاب اسرار الحکم از طرف حکیم برای ناصرالدین شاه بود و به همراه قاضی هبه الله سبزواری کتاب را

۱. مقدمه کلیات اشعار فارسی حاجی ملا هادی سبزواری، ص ۷۷ به نقل از کتاب شرح حال حکیم سبزواری مرتضی مدرسی چهاردهی.

۲. تفسیر روان جاوید، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲

۳. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۸۸، ۱۷۹

۴. دیوان اسرار، ص ۱۱۰

۵. همان، ص ۱۱۱

۶. دیوان اسرار، ص ۱۱۴، شهاب شریعت، ص ۹۳-۹۸

- به شاه تقدیم کردند و هر دو به افتخار این خدمت از دولت مستمری گرفتند.^۱
۶. قاضی هبه الله سبزواری از خاندان قاضی‌ها و بیهقی‌ها (خاندان مادری امین الشریعه) که به همراه ملا ملک سبزواری برای تقدیم کتاب اسرار الحکم حاج ملا هادی سبزواری به ناصر الدین شاه به تهران رفت.^۲
۷. سید حسن بن سید عبدالرحیم سبزواری متخلص به عبرت، شارح دعای صباح (مشمول بر نکات ادبی) از علماء و ائمه جماعت سبزوار که جد آیت الله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری و پدر حاج سید عبدالله برهان المحققین سبزواری است.^۳
۸. ملا فاضل سبزواری (جد مادری مرحوم آقا میرزا حسن محدث عربشاهی معروف به آقای شاه و جد پدری مرحوم ابوطالب فاضلی سبزواری)^۴
۹. حاج شیخ محمد اعتماد الاسلام بروجردی درگذشته ۱۳۴۳ ق که سالک سبزواری در ماده تاریخ فوت او می‌گوید: «چو حاصل اصل فیلسوف اعظم را» که اشاره به تلمذ اعتماد الاسلام است بر حاج ملا هادی سبزواری.^۵
۱۰. ملا محمدباقر کسکنی سبزواری، جد آخوند ملا نعمت کسکنی (پدر آقایان میرزا محمد کسکنی مدفون در مشهد، میرزا ابراهیم باقریه مدفون در سبزوار، حاج غلامرضا حاضرین مدفون در تهران و مرحومه حاجیه آغا بیگم عربشاهی همسر مرحوم آقا میرزا حسین محدث عربشاهی مشهور به آقا شاه، مدفون در وادی السلام قم).^۶

۱. همان، ص ۱۱۶

۲. همان

۳. دیوان اسرار، ص ۱۲۳

۴. همان

۵. همان، شاید همان فاضل مغیبه ای سبزواری باشد که در فهرست صدرایی آمده است.

۶. دیوان اسرار، ص ۱۲۳

۱۱. سید ابوطالب اصفهانی که از ترس تکفیر سربازان، سبزوار را ترک گفت.^۱
۱۲. میرزا رفیع مکفر، که مثل افتخار الحکماء طالقانی ملحد بود و به مقدسین و مقدسات بد می‌گفت و در حق او گفته‌اند:
- فساد مذهب میرزا رفیع بنگر
- نخوانده حکمت یونان، چنان شده گمراه^۲
۱۳. ملا علی پسر حاج عبدالجواد سبزواری که داستان ملاقات حکیم سبزواری با سعادت علی شاه اصفهانی از او روایت شده است.^۳
۱۴. میرزا بابا گرکانی آشتیانی شاعر^۴
۱۵. ذوالفقار علی خان بسطامی متخلص به نادری^۵
۱۶. آخوند ملا قربان علی مزینانی (وفات ۱۳۱۸ ق) بن ملاهادی بهمن آبادی والد شیخ محمود مزینانی، پدر شیخ قربان علی و شیخ محمدتقی مزینانی (۱۳۶۶-۱۲۶۸ ش)، نوه او دکتر علی شریعتی بر اساس اطلاعات خانوادگی و شخصی در حق او می‌نویسد: صحبت مزینان بود. نزدیک هشتاد سال پیش، مردی فیلسوف و فقیه که در حوزه درس مرحوم حاجی ملا هادی سبزواری اسرار... مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت به این ده آمد، تا عمر را به تنهایی بگذراند و در سکوت فراموش شده کویر بمیرد. به گفته مرحوم حکیم سبزواری بزرگ (معلوم نیست منظور چه کسی است؟ علی‌التحقیق به سیاق عبارتهای مقدم و مؤخر این فراز این حکیم سبزواری بزرگ نمی‌تواند خود ملا هادی سبزواری باشد) وی در محضر اسرار نه همچون شاگرد، که به مانند رفیقی هم‌زانی وی می‌نشست، چه وی حکمت را پیش از این

۱. همان

۲. همان

۳. دیوان اسرار، ص ۱۲۳

۴. رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۱۶۲-۱۶۳، مقدمه دیوان اشعار و شرح زندگانی حاج ملاهادی سبزواری، ص ۱۵

۵. همان

نزد دانی‌اش علامه بهمن آبادی^۱ خوانده بود. بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه دارد. اما در... بهار حیات علمی و اجتماعیش... ناگهان منقلب شد. مردم صمیمی ده از او چه‌ها می‌گفتند! یک شبه امام، شبه پیغمبر، یک فرشته، یکی از اولیاء الله و به هر حال، غریبی از مردم آن عالم در این ره، کفش‌هایش گاه پیش پایش جفت می‌شد... روز مرگ خویش را خبر داده، سال قحطی دخترانش ناله کردند سال سخت است و زمستان را بدون اندوخته نانی چه کنیم؟ از خشم بر آشفتم و نیمه شبی، ناگهان... دیدند از نافه گندم می‌ریزد و برخی کندوها لبریز شده است. وی در سال ۱۳۱۸ ق درگذشت.^۲

بهمن آباد روستایی است در ۷۰ کیلومتری غرب سبزوار (بین مزینان و سویز) مزار و مدفن وی و شاگردش آخوند حکیم (ملا قربانعلی مزینانی) در جوار امام زادگان بهمن آباد می‌باشد.

۱۷. حاج شیخ حسین صفوت پاریزی کرمانی، صاحب منظومه انیس العشاق که (به گزارش دکتر ابراهیم باستانی پاریزی) قصیده‌ای در مدح ملا هادی سبزواری سروده است، با مطلع:

دل در پی دلستان افتاده

جان بی دل و ناتوان افتاده^۳

۱۸. ملا علی رضا مقیم کابل^۴

۱۹. حاج ملا محمد تهرانی، مدرس مدرسه دوست علی خان نظام الدوله (معیر) که

۱. دکتر علی شریعتی درباره وی نوشته است: «علامه بهمن آبادی ... استاد کلام و حکمت و فقه بود و با حکیم اسرار

در حکمت معارضه می‌کرد و در نظر برخی بر او ارجح بود.» (هبوط کویر، ص ۲۳۸)؛ تاریخ سبزوار، ص ۵۰۲

۲. هبوط کویر، ص ۲۳۸ - ۲۴۰

۳. دیوان اسرار، ص ۱۲۵

۴. دیوان اسرار، ص ۱۲۶



اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار نام او را ذکر کرده است.^۱

۲۰. محمد حسن بن محمد قاسم بامی (اهل بام صفی آباد) کاتب نسخه‌ای خطی از شرح منظومه.^۲

۲۱. شیخ محمدعلی فیروزکوهی؛ وی که از شاگردان حکیم ملا هادی سبزواری می‌باشد مجموعه‌ای از رسائل استادش را نگاشته است که بعضی از آنها را در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۲۸۱ به نگارش در آمده است.^۳ نسخه‌ای از این دست‌نوشته در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۲۴ نگهداری می‌شود.^۴

وی نسخه خطی چند کتاب را نیز کتابت نموده است: کتاب الکلمات المکنونة، ملا محسن فیض کاشانی که به شماره ۲۵۵/۲۵ در کتابخانه دانشگاه حقوق دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.^۵ نیز کتاب طهارة الاعراق، ابن مسکویه رازی که به سال ۱۳۰۰ ق آن را کتابت نموده است و نسخه‌ی آن در دانشگاه ادبیات مشهد موجود است.^۶ همچنین کتاب زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر، از محمد بن محمد باقر حسینی نائینی (و ۱۱۴۰ ق) که به تاریخ سال ۱۲۶۵ ق نوشته شده است و در کتابخانه دانشگاه حقوق دانشگاه تهران به شماره ۵۵/۱ نگهداری می‌شود.^۷

۲۲. ملا صادق مجتهد کرمانی پسر آخوند ملا علی اعمی (متولد ۱۲۵۰ ق)؛ وی از محضر پدر و سید جواد شیرازی بهره برد و مقدمات و فقه و حکمت و ریاضی و هندسه و هیئت را بخوبی فرا گرفت و در علم نجوم مشهور گردید. سپس به عتبات

۱. همان
 ۲. همان
 ۳. تراجم الرجال، ج ۳، ص ۳۰۷-۳۰۸
 ۴. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۱۷۷
 ۵. فهرست کتابخانه مرکزی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۴۲۷
 ۶. فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد، ص ۳۲
 ۷. فهرست کتابخانه مرکزی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۴۲۷

عالیات سفر کرده و از محضر بزرگان نجف همچون علامه شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد خوانساری نهایت استفاده را کرد و در سفر به ایران به سبزواری رفت و از محضر حکیم ملا هادی سبزواری سالها بهره برد و حکیم مسلم گردید. وی مدتی در تهران ساکن گردید و سپس به کرمان بازگشت و مدتها در آن دیار به امر تدریس و قضاوت پرداخت و گفته شده میرزا آقا خان بردسیری حکمت را از ایشان فرا گرفته است. وی شروح و حواشی بر کتب فقهی و اصولی و فلسفی و عرفانی تألیف نموده است و شعر عربی و فارسی و ترکی می سروده است. سال وفات وی را ۱۳۱۱ ق ذکر نموده‌اند.^۱

چنانکه در مقدمه مذکور افتاد، در ادامه به معرفی تفصیلی دو تن از تلامذه آخوند حکیم سبزواری می پردازیم:

۱. محمد حسن بن زین العابدین سبزواری

وی از شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی مرجع و مجدد بزرگ شیعه و همچنین از تلامذه ملا هادی سبزواری فیلسوف بزرگ قرن سیزدهم هجری می باشد. وی را باید از طلایه داران مکتب فلسفی سبزواری به شمار آورد. مکتبی که حدود یکصد نفر از آنان بعنوان تلامذه حکیم سبزواری شناسایی شده‌اند.^۲

متأسفانه در کتب تراجم شیعی به اشاره چندانی از وی بر نمی خوریم. تنها صاحب اعیان الشیعة در عباراتی کوتاه و موجز او را چنین معرفی می کند:

«آقا حسن السبزواری، توفی سنه ۱۲۹۲. کان فقیهاً حکیماً و قرأ علی المیرزا الشیرازی و علی الحاج ملا هادی السبزواری صاحب المنظومة. له من المؤلفات: ۱- المرصد العقلية في الحكمة الالهية

۱. نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۴۳، به نقل از مجموعه ناصری، ج ۸ ص ۹۰ و فرماندهان کرمان، ص ۳۳۰

۳۳۱ -

۲. دیوان اسرار (مقدمه)



۲- رساله فی اصول الفقه ۳- وله کتاب اخر غاب عنا اسمه^۱

مرحوم آیت الله سید علینقی امین در تاریخ سبزوار ذیل ترجمه شاگردان میرزا ملاهادی سبزواری درباره وی چنین می‌نگارد:

هفتم: آقا حسن بن زین العابدین سبزواری. بقدری دارای قوه حافظه بوده است که درس روز قبل سرکار اسرار را بتمامه روز دیگر در وقت مباحثه با رفقا بیان می‌کرده، با آنکه بدون کتاب بدرس می‌آمده، مطالبی را هم اسرار از آیات و اخبار و اشعار برای تشریح و توضیح مطلب بیان می‌کرده، عیناً بدون کم و زیاد در جای خود بیان می‌کرده. و ایشان بعد از چند روز از مرگ اسرار بر اثر خرابی دیوار در طهران دار دنیا را بدروود گفته و از این دار فانی بسرای جاویدانی شتافت. ارجوزه در طب و فلسفه عالیه داشته.^۲

همو در جای دیگر از تاریخ سبزوار می‌نویسد:

محمد حسن بن زین العابدین: قبلاً نام او را در ضمن شاگردان اسرار نوشتم، در دایرة المعارف الاسلامیه نام او را برده و در میان ارجوزه‌ها، در یکجا گوید که ارجوزه ای در طب دارد و بعد از چند سطر گوید ارجوزه در فلسفه عالیه دارد.^۳

فرزند ایشان پرفسور سید حسن امین در مقدمه مفصل خود بر دیوان اسرار در ذیل شاگردان ملا هادی سبزواری می‌نویسد:

۱۴) آقا حسن سبزواری (وفات ۱۲۹۰ ق) پسر زین العابدین که بعد از مرگ استاد، در حق او کفر می‌گفت و هنوز طعام مجلس عزای حکیم در معده‌اش بود که مُرد و این مرگ ناگهانی را بر کرامت حکیم حمل کردند، به گفته تهرانی در الذریعه، از او ارجوزه ای در فلسفه باقی است.^۴

۱. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۱۰
 ۲. تاریخ سبزوار، ص ۳۴۹-۳۵۰
 ۳. همان ص ۳۶۳
 ۴. مقدمه دیوان اسرار، ص ۱۱۰، ۱۲۸

متاسفانه از زندگانی وی در کتب تراجم عمومی و کتبی که درباره فلاسفه و عرفاء به نگارش در آمده مطلب قابل توجهی ذکر نشده است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در کتاب الکرام البررة که در بیان علمای قرن سیزدهم هجری است، یادی از وی نکرده است و تنها در الذریعه به شرح منظومه وی در طب اشاره می‌کند، اما شاید به اشتباه چاپی، مؤلف آن را محمد حسین بن زین العابدین السبزواری ذکر می‌کند. وی چنین می‌نگارد: «شرح المنظومة في الطب لناظمها الشيخ محمد حسين بن زین العابدین السبزواری وهو شرح مزج، فرغ من الشرح سنة ۱۲۶۴ یوجد بخط مؤلف في المكتبة الرضوية من وقف الحاج عماد الفرسى رأیته عنده قبل وقفه، اول النظم: الحمد لله الطیب الشافی الواهب الصحة والمعافی...»^۱

همانطور که ملاحظه می‌شود مستند ایشان نسخه خطی کتاب منظوم وی در طب می‌باشد که ایشان ظاهراً آن را در خزانه کتابخانه آستان قدس رضوی دیده است^۲ و همچنین معلوم می‌گردد که کتاب یاد شده همان شرح دستور العلاج است که نام نویسنده آن حسن بن زین العابدین سبزواری است، نه محمد حسین و تاریخ نسخه هم سال ۱۲۹۴ ق است، نه سال ۱۲۶۴ ق. در موضعی دیگر از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نام مؤلف محمد حسن ذکر شده است^۳. وی خود را در مقدمه کتاب مرقات العرفان محمد حسن بن زین العابدین سبزواری معرفی می‌کند.

همانطور که می‌دانیم فیلسوف بزرگ شیعه در قرن سیزدهم هجری یعنی ملا هادی سبزواری ۲۸ ذیحجه به سال ۱۲۸۹ ق از دنیا رفته‌اند و اگر آنطور که در تاریخ سبزواری و مقدمه دیوان اسرار آمده است، وی فقط چند روز پس از مرگ استاد خود از دنیا رفته است، می‌بایست سال وفات وی را ۱۲۸۹ ق دانست، اما این مطلب با اطلاعاتی که از حیات وی در سالهای ۱۲۹۲ ق و ۱۲۹۳ ق و ۱۲۹۴ ق داریم، همخوانی ندارد و نمی‌توان آن را پذیرفت.

۱. الذریعه، ج ۱۴، ص ۹۲

۲. فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس رضوی، ج ۱۹، ص ۲۵۹

۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۰



ایشان کتاب کاشف الاسرار خود را به سال ۱۲۹۲ ق و کتاب مرفقات العرفان را به سال ۱۲۹۳ ق و کتابهای شرح دستور العلاج و شرح کاشف الاسرار را به سال ۱۲۹۴ ق نگاشته است. از مطلب یاد شده نتیجه گرفته می‌شود، آنچه درباره سال وفات وی در اعیان الشیعة آمده که وفات وی به سال ۱۲۹۲ ق بوده، قابل قبول نمی‌باشد.^۱ همانطور که نقل پرفسور سید حسن امین هم درباره کفرگویی وی بعد استادش مستندی ندارد و نمی‌تواند قابل اعتماد باشد و شاید این نقل بخاطر عقیده وحدت وجودی حکیم سبزواری بوده که برخی آن را کفر می‌دانستند. ماحصل آنچه گفته شد آن است که وی از اکابر تلامذه حاج ملاهادی سبزواری، مؤسس مکتب فلسفی سبزواری می‌باشد، که دارای حافظه قوی و حوزه درسی پر رونقی بوده است، بگونه ای که بعد از درس استاد، افادات وی را به دیگران تقریر می‌کرده است. وی علاوه بر فلسفه، در عرفان هم دستی داشته و منظومه بلند عرفانی خود و شرح آن، شاهدی بر این مدعاست. قوه خدادادی سرودن شعر آن هم به زبان عربی در دو حوزه عرفان و فلسفه بیانگر تبّحّر وی در حوزه ادبیات تخصصی می‌باشد و شاید اولین کسی است که بعد از استادش از روش وی در بیان منظوم فلسفه استفاده کرده است.

آثار و تالیفات

از این فیلسوف، عارف و شاعر بزرگ آثاری بر جای مانده است که می‌توان از لابلای کتب فهارس به آنها دست پیدا کرد و به افقی جدید در زندگی وی دست یافت.

۱- دستور العلاج (= ارجوزة في الطب)

منظومه‌ای است به زبان عربی. این منظومه به دو قسمت نظری و عملی تقسیم شده است. بخش عملی آن دارای ۴ باب و باب اول آن دارای ۷ فصل می‌باشد. ایشان همین منظومه را شرح کرده است که شرحش خواهد آمد.

آغاز منظومه: الحمد لله الطيب الشافي الواهب الصحة والمعافي ...

۱. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۱۰

۲- شرح دستور العلاج

شرحی است به زبان عربی و به روش مزجی بر کتاب منظوم خود دستور العلاج. این شرح به سال ۱۲۹۴ ق به پایان رسیده است.

از این شرح نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۵۱۷۸ در ۶۹ ورق به خط خود شارح موجود می‌باشد.^۱

آغاز: الحمدلله الطیب الشافی الواهب الصحة والمعافی ...

انجام: ... فی فن الطب ما اجتهدت فی تلیفیکه و ترکیبته و الحمدلله علی توفیکه.

۳- کاشف الاسرار (= ارجوزة فی الفلسفة)

منظومه‌ای است به زبان عربی در فلسفه که بر سه فن و یک خاتمه مرتب شده است. فن اول در امور عامه در ۷ مقاله و خاتمه، فن دوم در جواهر و اعراض در ۲ مقاله و فن سوم در مبدأ و معاد در ۴ مقاله و خاتمه در نبوت می‌باشد. این منظومه به سال ۱۲۹۲ ق سروده شده است.

آغاز منظومه: یا حسن الوجه والاسم والصفة لسنا عرفنا لك حق المعرفة

۴- شرح کاشف الاسرار^۲

شرحی مزجی بر کتاب منظوم خود کاشف الاسرار است. وی از این شرح به سال ۱۲۹۴ ق فراغت یافته است. نسخه‌ای از این شرح در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۸۴۲ در ۱۰۴ ورق موجود است و گویا بخط شارح می‌باشد.

آغاز نسخه: یا حسن الوجه والاسم والصفة لسنا عرفنا لك حق المعرفة ای الله تعالی

وجود غیر متناهی ...

۱. فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس رضوی، ج ۱۹، ص ۲۹۴

۲. در فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص ۴۵۴ این کتاب با نام کاشف الاسرار معرفی شده که نام دقیق آن شرح کاشف الاسرار می‌باشد.



انجام: وأحمدلله على فضاله مصليا على النبي وآله.^۱

۵- المرصاد العقلية في الحكمة الالهية

به زبان عربی در فلسفه، این کتاب را صاحب اعیان معرفی کرده است.^۲

۶- رسالة في اصول الفقه

به عربی، که ممکن است از تقریرات درس استادش میرزای بزرگ شیرازی باشد. این کتاب را نیز صاحب اعیان شناسانده است.^۳

آغاز نسخه: بسملة. الحمدلله مبدع انوار العقول ومودع الاسرار في كل معلول مدور الاجرام الشوامخ بالنفوس ...

انجام: ... ولا يتوقف على اعتبار وجوده ايضاً فانه معنى السلب البسيط وان كان في صورة الايجاب.

۷- سماوات العرفان

به زبان عربی در عرفان. اصل این کتاب در دسترس نمی باشد، اما گزیده و منتخبی از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۸۹۹/۲ موجود می باشد.

آغاز نسخه: بسملة بحمدك يا من تجليت على اعيان الممكنات بحقائق اسمائك ... وبعد فيقول العبد الاثيم محمد حسن بن زين العابدين السيزواري أن العلم وان تشعبت فتونه وتكثرت شؤونه ...

انجام: في ذلك تسخير بعض النفوس الحيوانية من الاجنة فيطلعونهم على المغيبات ... وقد وقع الفراق في يوم الاثنين ۱۲۹۳.^۴

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۴، ص ۱۹۰

۲. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۱۰۰

۳. همان

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۴، ص ۵۳



۸- مرقات العرفان

به زبان عربی در عرفان. اصل این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۸۹۹/۱ به سال ۱۲۹۳ به خط مؤلف موجود می‌باشد.^۱

۲. حکیم میرزا محمود قدسی تونی

یکی دیگر از شاگردان حکیم نام آور ملا هادی سبزواری، فقیه و فیلسوف و شاعر خطه خراسان، میرزا محمود بن سید میر احمد میر سید علیا موسوی قدسی تونی مشهور به سرکار حاج آقای بزرگ می‌باشد.

اجداد وی از سادات آفریز قائن بوده‌اند، که به قصد هدایت و ارشاد مردم در قصبه کاخک گناباد و شهر تون رحل اقامت می‌گزینند. وی که کوچک‌ترین پسر حاج میر سید محمد، در همین قصبه بدنیا می‌آید. پدر وی میر سید محمد در اواخر حیاتش به قصد زیارت برادر حضرت رضا علیه السلام که در کاخک مدفون است، و میل دیدار اقوام خود سفری به آن دیار می‌کند و در این سفر به اصرار یکی از معاریف و ثروتمندان کاخک دختر او را به عقد ازدواج خود در می‌آورد و از این زن، میرزا محمود به دنیا می‌آید. پدرش سید محمد در راه مکه قبل از تولد میرزا محمود از دنیا می‌رود. این سید بزرگوار تا سن ده سالگی نزد مادرش در کاخک بسر می‌برد و سپس به همراه برادر بزرگترش حاجی میرزا مهدی به تون می‌آید و به کارهایی چون چوپانی می‌پردازد. اما بدلیل طبع بلند و همت عالی از این کار دست کشید و به همراه کاروانی عازم مشهد مقدس گردید و با عسرت و تنگدستی بسیار به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از چند سال تلاش بی‌وقفه، به مقام مدرسی می‌رسد و جمع کثیری از طلاب در حوزه درسش حاضر شده و نزد او کتاب المطول و سایر متون ادبیات عربی را می‌آموختند.

در محضر حکیم سبزواری

آقا میرزا محمود پس از طی مقدمات و فنون ادبی و علوم شرعی از مشهد هجرت کرده و

۱. همان، ص ۵۲

برای تحصیل حکمت نزد حاج ملا هادی سبزواری که شهرت و معروفیت بسیاری در آن زمان داشت، عازم سبزواری می‌شود و مدت پنج سال در حوزه درس آن استاد بزرگ به تحصیل حکمت مشاء و اشراق و حکمت متعالیه ملاصدرا می‌پردازد.

آقا میرزا محمود پس از پنج سال تحصیل، شبی با خود می‌اندیشد که من دیگر هرچه حاجی سبزواری می‌داند را فرا گرفته‌ام و بیش از این ماندنم در سبزواری خطاست. فردای آن شب در حوزه درس حاجی سبزواری حاضر می‌شود ولی در موقع خروج، مرحوم حاجی به او می‌گوید: شما بمانید و با من به منزل بیایید که با هم ناهار بخوریم. میرزا محمود امر استاد را می‌پذیرد. مرحوم حاجی پس از صرف ناهار، رو به آقا میرزا محمود کرده و می‌گوید:

شما هرچه ما داشتیم فرا گرفته‌اید و دیگر توقف شما در سبزواری سودی ندارد و علاوه بر این، ما هر چه داریم از فیض و برکت خاندان شما داریم و شما می‌توانید با توسل به عنایت اجدادتان، سیر در مراتب کمال را به حد اعلی برسانید و با این حال، حاجتی به من و امثال من نخواهید داشت.

آقا میرزا محمود از شنیدن این بیان بسیار منقلب می‌شود و شرح فکر و اندیشه شب قبل خود را به حاجی عرض می‌کند، اما حاجی می‌گوید: این پیش آمد یک تصادف بوده است نه چیز دیگر. اما میرزا محمود اعتقاد پیدا می‌کند که استادش به نیروی صفای نفس به این مرتبه دست یافته که ضمائرها را می‌خواند. وی پس از این چندی دیگر نیز در خدمت حاجی باقی می‌ماند.

سفر به اصفهان و شیراز و عتبات

در اثنای حضور میرزا محمود در سبزواری، صوفی شهیر حاج ملا سلطان علی گنابادی بیدختی که خود از شاگردان حاجی سبزواری و هم دوره آقا میرزا محمود بوده، چند نامه از اصفهان به رفیق درس خود میرزا محمود می‌نویسد و ایشان را برای کسب معرفت به محضر سعادتعلی شاه معروف به صافی‌العرفای اصفهانی، خلیفه رحمتعلی شاه شیرازی دعوت می‌کند. آقا میرزا محمود که بر اثر وصول این نامه‌ها به امید درک مراتب جد و حال، عازم اصفهان می‌شود، پس از چندی توقف، از بساط صوفیان خوشش نمی‌آید و از اصفهان عازم شیراز می‌شود و در

شیراز چندی نزد علمای وقت به تحصیل و تکمیل فقه و فلسفه می‌پردازد، تا آن که یکی از علمای بزرگ شیراز که از پرورش یافتگان حوزه درسی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بوده، آقا میرزا محمود را به رفتن به نجف و حضور در درس میرزا تشویق می‌کند. آقا میرزا محمود از شیراز عازم عتبات می‌شود و به استفاده از محضر پر فیض درس میرزای شیرازی می‌پردازد و در اثنای تحصیل، سفری به تون می‌رود و باز برای تکمیل استفاده به سامراء بر می‌گردد و در نهایت و پس از هفده سال با دریافت اجازه اجتهاد، به شهر خودش باز می‌گردد. وی خود در این باره می‌گوید:

مرا چون طالع میمون، ز دور چرخ، وارون شد

ز گلزار نجف مسکن، کنون در گوشه تون شد

آقا میرزا محمود از معاریف علمای خراسان و در فنون ادبی، علوم شرعی و فلسفی متبحر و همواره سرگرم مطالعه و دواوین شعرای بزرگ چون استاد خود و سایر عرفاء و حکمای بزرگ ایران بوده است.

در مدت توقف در سامراء، غالب اوقات وی به مصاحبت با مرحوم حاج میرزا حبیب الله خراسانی عارف و شاعر معروف خراسان^۱ و شیخ رئیس قاجار^۲ می‌گذشته و این سه نفر و چند نفر دیگر متهم بوده‌اند که در خلوت مثنوی می‌خوانند و سخن از مباحث حکمت می‌رانند، ولی چون میرزای شیرازی خود از حکمت بهره‌افری داشته از هجوم دیگران جلوگیری می‌کرده است.

۱. میرزا حبیب الله بن محمد مجتهد خراسانی (۱۲۶۶-۱۳۲۷ ق) فقیه و شاعر بزرگ خراسانی از شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی و فاضل دربندی وی به سال ۱۲۹۹ ق به مشهد بازگشت و زعامت دینی را بعهده گرفت، لکن به یکباره از مناصب دنیوی دست کشید و عزلت پیشه کرد. وی در مشهد از دنیا رفت. از وی آثاری چون دیوان غزلیات چاپ شده که در تهران ۱۳۵۲ ش و ۱۳۷۹ ش و رشک ملک چاپ شده در تهران، ۱۴۰۸ ق و گنج گهر چاپ شده در مشهد ۱۳۲۹ و اللباس المشکوک و التعادل و التراجیح که تقریرات درس استادش میرزای شیرازی می‌باشد. (رجوع شود به موسوعة مولفی الامامیة، ج ۹، ص ۱۴۰)
۲. ادیب و شاعر و خطیب عصر قاجاری میرزا ابوالحسن بن محمدتقی حسام السلطنه شیخ رئیس قاجار (متوفای ۱۳۳۶ ق) (رجوع شود به نقباء البشر ج ۲، ص ۸۴۸، مرآة الشرق، ج ۱، ص ۱۸۹)

میرزا محمود حاکم شرع تون

حاج میرزا محمود پس از رسیدن به مقام اجتهاد، از عتبات به تون بازگشت. در آغاز با وجود داشتن اعلامیت به معارضة و مخالفت برادر بزرگتر خود دچار می‌گردد و لکن بخاطر حمایت کسانی که به حکم مرحوم میرزای شیرازی بسیار توجه داشتند، مسجد و منبر و محراب و تدریس، انحصاراً به وی تعلق می‌گیرد و حاکم شرع مقتدر و متنفذ تون می‌شود. پس از چندی که پسر بزرگش حاج میرزا محمد علی از مشهد برگشت، کارهای اجرایی را به او محول می‌کند و خودش به مطالعه کتب فلسفی و ادبی می‌گذراند و برای طالبان علوم عقلی و عرفانی منظومه حاجی سبزواری و اخلاق خواجه نصیر طوسی تدریس می‌کند.

نوهی وی، شاعر گرانقدر سید هدایت الله شهاب فردوسی درباره جدش چنین می‌نگارد: من در موقع وفات ایشان بیش از دوازده سال نداشتم، ولی چون نوه اول وی بودم، غالباً نزد وی بسر می‌بردم و همه جا همراهش بودم. خوب به خاطر دارم که هر فصل از سال را در محل معینی از روستاها و باغ‌های تون بسر می‌برد. هر هفته جمعی از طلاب و علماء و بعد، جمعی از اعیان و اشراف و جمعی از کسبه و تجار را به محل اقامت خود برای چند روز دعوت می‌کرد و آنان را به انواع ورزش‌های قدیمی از قبیل گوی بازی و مسابقه دو و کشتی گیری و امثال آن وا می‌داشت و غالباً خودش هم با وجود کهولت سن با آنان شرکت می‌کرد. در هنگام نشستن برای صرف نهار یا چای، مباحث ادبی از کتاب حافظ و شعرای بزرگ دیگر به میان می‌آورد و گاهی بحثی را مطرح می‌کرد و مجال می‌داد که حضار به ذوق و سلیقه خود در آن سخن گویند و به معارضة یکدیگر برخیزند و در پایان بحث، وقتی که بین حاضران اختلاف در موضعی شدت می‌گرفت، قضاوت می‌کرد و حق و حقیقت را بر طبق مشرب فلسفی و عقاید اسلامی خویش تعلیم می‌داد و بحث و جدال حاضران را به پایان می‌رسانید.^۱

سپس ایشان به تفصیل نمونه‌ای از بحث‌های مطرح شده در نزد جدش میرزا محمود را بیان می‌کند.^۲

۱. حالات و مقالات استاد شهاب فردوسی، ص ۱۴-۱۷

۲. همان، ص ۱۴-۱۷

ایشان در جریان مشروطه، از طرفداران مشروطه مشروعه بود و از حرکت همدرس و دوست زمان تحصیلی اش، مرحوم شهید شیخ فضل الله نوری حمایت می کرد.

وی سر انجام در شانزدهم محرم الحرام سال ۱۳۲۸ ق در تون از دنیا می رود، پیکر این فقیه فیلسوف و عارف و شاعر والامقام و گمنام در تون به خاک سپرده می شود. مرقد وی بعدها به باغ رضوان مشهور و به مقبره خانوادگی اولاد و نوادگان حاج میرزا محمود تبدیل می گردد.

دوست دیرینش عارف و شاعر معروف حاج میرزا حبیب الله خراسانی، ماده تاریخ وفات وی را چنین نوشته است:

محمود که حق، طینتش از عشق سرشت
 بر لوح دلش مهر علی را بنوشت
 خوش رفت به رضوان و جهان جمله بهشت
 تاریخ وفاتش طلب از «خاک بهشت» = ۱۳۲۸

دیوان شعر

از وی دیوان شعری بجای مانده است که به همت آقای محمد ترابیان فردوسی توسط انتشارات سلوک جوان در شهر قم، به سال ۱۳۸۶ در ۱۲۷ صفحه به چاپ رسیده است. وی در آغاز دیوان خود متواضعانه چنین می نگارد:

بسم الله الرحمن الرحيم. هذه من ملفقات طبعي الحامد ومؤلفات ذوق الجامد، انشدت اكثرها في دار العلم شيراز صانها الله تعالى عن التزلزل والاهتزاز، بحق محمد وآله ذى الكرام والاعزاز. ثم اعلموا يا اخواني اني لم ارد بهذه الملفقات والمزخرفات، ادخال نفسي في الشعراء ولا تعداد شخصي ضمن فيه لطيفة العرفاء، فان انشاء الشعر من مثلي بعد المولوي والسعدي والحافظ والواعظ وامثالهم، غلط بين الآ ان لسان الحال في كل يترشح من فيه على قدر ما فيه، مع الاشتغال البال واختلال الاحوال وخلق الديار من ذي جمال أو نوال، كما قال من قال:

۱. مقدمه دیوان قدسی، ص ۱۴-۲۱



خلت الديار فلا كريم يُرتجى منه النوال و لا مليح و يُعشق
والعذر عند الكرام مقبول.

همسر و فرزندان

وی بعد از بازگشت از سفر اول به عتبات، با دختر مرحوم آقا میرزا زین العابدین معروف به میرزای مجتهد ازدواج می‌کند.

اما فرزندان:

- میرزا سید محمد علی، پسر بزرگ وی که پس از بازگشت از مشهد کارهای اجرایی پدر را در تون به عهده می‌گیرد.

- میرزا سید عبدالکریم، وی پدر شاعر و نویسنده گرامی استاد سید هدایت شهاب فردوسی (۱۲۷۷-۱۳۴۷ ش) می‌باشد.

- میرزا سید عبدالحسین نجفی (۱۲۸۹-۱۳۶۵ ق) معروف به سرکار آقا. وی در تون بدنیا آمد و از طرف مادر نوه مرحوم میرزا زین العابدین معروف به میرزای مجتهد و از نوادگان میرزا ملا اکبر تونی است. وی در سال ۱۳۱۵ ق به نجف رفت و از محضر استادان بزرگی مثل میرزا حسین نائینی و ملا عبدالله مازندرانی و بخصوص آخوند خراسانی استفاده برد و با فرزند بزرگ آخوند، یعنی میرزا مهدی همدرس و هم مباحثه گردید. وی در ۱۳۲۲ ق به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد و به ایران بازگشت و به دعوت میرزا محمد آقازاده، فرزند دوم آخوند خراسانی که ریاست حوزه علمیه مشهد را به عهده داشت، در مشهد ساکن گردید، ولی بخاطر پدرش میرزا محمود که در سنین کهولت بسر می‌برد، به فردوس (تون) رفت و جانشین پدر گردید و ریاست حوزه علمیه و زعامت محکمه شرع جنوب خراسان را بعهده گرفت چنانکه در حوزه حکومتی فردوس، طبس، گناباد، بلکه قانن و بیرجند، احکام وی به اجرا گذاشته می‌شد. وی



سرانجام در بهمن ماه ۱۳۲۵ ش به علت بیماری مزمن ریوی درگذشت و در رواق دار الضیافه حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.^۱

نمونه اشعار

میرزا محمود مدتی در شیراز و در کنار مرقد حافظ از روح بزرگ او مدد گرفته و غزل می‌سرود و بسیاری از غزلیات وی به پیروی از غزلیات حافظ است. که نمونه آن حافظیه وی می‌باشد که به مقایسه اشعار دیگر شعراء چون سعدی با حافظ می‌پردازد.

بود لطف خدایی یار حافظ	که جانها زنده شد ز اشعار حافظ
هر آنچه شاعران گفتند و گویند	بود یک دانه از انبار حافظ
عروش شعر را سعدی چو آراست	بکارت برد از او افکار حافظ
غزل را گرچه نیکو گفته سعدی	ولی خالی بُد از اسرار حافظ
طرب خیز است اگر اشعار سعدی	روان بخش آمده گفتار حافظ
گلستانش بُدی با رونق اما	ببردی رونقش گلزار حافظ
زهر طبیعی بزادی فکر بکری	ولی نازاده چون ابکار حافظ
تو قدسی در مدیح افراط کردی	مگو اسرار با اغیار حافظ



۱. مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص ۳۳۱-۳۳۲

۱. اعیان الشیعة، سید محسن امین عاملی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق
۲. تاریخ سبزواری، سید علینقی امین، مقدمه: سید حسن امین، تهران، دائرة المعارف ایرانشناسی، ۱۳۸۲
۳. تراجم الرجال، سید احمد حسینی اشکوری، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰، ۴ جلد
۴. تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، منوچهر صدوقی سها، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱
۵. تفسیر روان جاوید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، نشر برهان، ۱۳۹۸ ق
۶. حالات و مقالات استاد شهاب فردوسی، محمد ترابیان فردوسی، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۴
۷. دیوان اسرار، کلیات اشعار فارسی حاجی ملا هادی سبزواری، تهران، بعثت، ۱۳۹۳
۸. دیوان قدسی، به کوشش محمد ترابیان فردوسی، قم، سلوک جوان، ۱۳۸۶
۹. الذریعة الی تصانیف الشیعة، شیخ آقابزرگ تهرانی، تهران، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۸۷ ق، ۲۶ جلد
۱۰. رجال و مشاهیر آشتیان، صادق حضرتی، قم، نشر الماس، ۱۳۸۲
۱۱. رسائل حکیم سبزواری، ملا هادی سبزواری، تحقیق: سید جلال الدین آشتیانی، قم، اسوه، ۱۳۷۶
۱۲. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۷۳
۱۳. شهاب شریعت، علی رفیعی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۳

۱۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، محمود فاضل و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی
۱۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف مشهد، به کوشش محمود فاضل، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۵ - ۱۳۶۶
۱۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق، محمدتقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰۹
۱۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری و دیگران، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۸. مجله میراث شهاب، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره ۷، ص ۸۷ - ۹۱
۱۹. مرآة الشرق، محمد امین امامی خوئی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۳۷ ق، ۲ جلد
۲۰. مشاهیر مدفون در حرم رضوی، زیر نظر: غلامرضا جلالی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶
۲۱. منتخب معجم الحکماء، مرتضی مدرسی گیلانی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۴
۲۲. موسوعة مولفی الامامیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق، ۱۹ جلد
۲۳. نام آوران علم واجتهاد کرمان، مجید نیکپور، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳
۲۴. هبوط کویر، دکتر علی شریعتی، تهران، انتشارات جاپخش، ۱۳۷۷
۲۵. نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ طهرانی، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.

